

# احکام نماز

## فهرست عناوین مبحث نماز

✕ نمازهای واجب

✕ نمازهای واجب یومیه

✕ امکام وقت نماز

✕ امکام قبله

✕ پوشانیدن بدن در نماز

✕ لباس نمازگزار

✕ مکان نمازگزار

نماز بهترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادتهای دیگر هم قبول می شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی شود. و همانطور که اگر انسان در هر شبانه روز پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند چرک در بدنش نمی ماند، نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک می کنند. و سزاوار است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را پست و سبک شمارد مانند کسی است که نماز نمی خواند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «کسی که به نماز اهمّیت ندهد و آن را سبک شمارد سزاوار عذاب آخرت است»

روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند مردی وارد و مشغول نماز شد و رکوع و سجودش را کاملاً بجا نیاورد، حضرت فرمودند: «اگر این مرد در حالی که نمازش این طور است از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است»

پس انسان باید مواظب باشد که به عجله و شتابزدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خدا باشد و متوجه باشد با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز ببیند و اگر انسان در موقع نماز کاملاً به این مطلب توجه کند، از خود بی خبر می شود، چنانچه در حال نماز تیر را از پای مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند.

و نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناहانی که مانع قبول شدن نماز است، مانند حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکات و بلکه هر معصیتی را ترک کند. و همچنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم می کند بجا نیاورد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد، و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند و نیز کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند بجا آورد، مثلاً انگشتی عقیق بدست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.

## نمازهای واجب

نمازهای واجب شش است:

۱. نمازهای یومیّه
۲. نماز آیات
۳. نماز میت
۴. نماز طواف واجب خانه کعبه (مانند نماز طواف در عمره تمتّع و عمره مفرده، و نماز طواف در حجّ تمتّع و نماز طواف نساء)
۵. نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است، و همین طور مادر بنا بر احتیاط واجب.
۶. نمازی که به واسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می شود.

## نمازهای واجب یومیّه

نمازهای واجب یومیّه پنج است: ظهر و عصر؛ هر کدام چهار رکعت. مغرب، سه رکعت. عشا، چهار رکعت صبح، دو رکعت. در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرائطی که گفته می شود دو رکعت خواند.

## وقت نماز ظهر و عصر

اگر چوب یا چیزی مانند آن را، راست در زمین هموار فرو برند صبح که خورشید بیرون می آید سایه آن به طرف مغرب می افتد و هرچه آفتاب بالا می آید این سایه کم می شود و در شهرهای ما در اوّل ظهر شرعی به آخرین درجه کمی می رسد و ظهر که گذشت سایه آن به طرف مشرق برمی گردد و هرچه خورشید رو به مغرب می رود، سایه زیادتر می شود. بنابراین وقتی سایه به آخرین درجه کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم

می شود ظهر شرعی شده است. ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می رود بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می شود ظهر شده است.

چوب یا چیز دیگری را که برای معین کردن ظهر به زمین فرو می برند شاخص گویند.

نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد. و وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر، وقت به مغرب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخوانده، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند. و مابین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر، وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر است، و اگر کسی در این وقت اشتبهاً نماز ظهر یا عصر را به جای دیگری بخواند، نمازش صحیح است.

اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترک باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند یعنی نیت کند که آنچه تا حال خوانده ام و آنچه را مشغولم و آنچه بعد می خوانم همه نماز ظهر باشد و بعد از آنکه نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند. و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد به احتیاط واجب نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند، و دوباره آن را بخواند.

نماز جمعه دو رکعت است و در روز جمعه جانشین نماز ظهر می شود و در زمان حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) (امام معصوم (علیه السلام) و نائب خاص او واجب عینی است اما در زمان غیبت کبری واجب تخییری است یعنی میان نماز جمعه و نماز ظهر مخیر است ولی در زمانی که حکومت عدل اسلامی باشد و نماز جمعه اقامه شود بهتر آن است که نماز جمعه خوانده شود.

احتیاط واجب آن است که نماز جمعه را از موقعی که عرفاً اول ظهر می گویند تأخیر نیاندازند و اگر از اوائل ظهر تأخیر افتاد به جای نماز جمعه نماز ظهر بخوانند.

همانطور که بیان شده است برای هر یک از نمازهای ظهر و عصر، و مغرب و عشا یک وقت مخصوص وجود دارد، که اگر مکلف عمداً نماز عصر را در وقت مخصوص ظهر یا نماز عشا را عمداً در وقت مخصوص مغرب بخواند نمازش باطل است. اما اگر بخواهد نماز دیگری مانند قضاء نماز صبح یا غیر آن را در وقت مخصوص ظهر یا مغرب بخواند نمازش صحیح است.

وقت نماز مغرب و عشاء

مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بالای سر انسان بگذرد.

نماز مغرب و عشا هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند:

وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد بنابراین اگر کسی مسافر باشد و تمام نماز عشا را سهواً در این وقت بخواند نمازش باطل است. و وقت مخصوص نماز عشا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را عمداً نخوانده باشد باید اول نماز عشا و بعد از آن نماز مغرب را بخواند.

و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشا وقت مشترک نماز مغرب و عشا است که اگر کسی در اینوقت اشتبهاً نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بجا آورد.

وقت مخصوص و مشترک که معنی آن در مسأله پیش گفته شد برای اشخاص فرق می کند مثلاً اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است تمام شده و داخل وقت مشترک می شود، و برای کسی که مسافر نیست باید به اندازه خواندن چهار رکعت از اول ظهر بگذرد.

اگر پیش از خواندن نماز مغرب سهواً مشغول نماز عشا شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده است چنانچه تمام آنچه را خوانده یا مقداری از آن را در وقت مشترک خوانده و به رکوع رکعت چهارم نرفته است باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند و چنانچه در وقت مختص مغرب بفهمد اشتباه کرده بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است.

و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته باید نماز عشا را تمام کند بعد نماز مغرب را بخواند.

آخر وقت نماز عشا نصف شب است، و احتیاط واجب آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد، و برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب کرد. (1)

اگر به واسطه عذری نماز مغرب یا نماز عشا را تا نصف شب نخواند بنا بر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا و قضا کند بجا آورد.

#### وقت نماز صبح

نزدیک اذان صبح از طرف مشرق، سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را فجر اول گویند وقتی که آن سفیده در طرف مشرق و افق پهن و گسترده می شود آن را فجر دوم گویند که اول وقت نماز صبح است و آخر وقت نماز صبح موقعی است که آفتاب بیرون می آید.

#### احکام وقت نماز

هنگامی انسان می تواند مشغول نماز شود که یقین کند وقت داخل شده است یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند، مشروط بر آنکه خبر و شهادت آنها حسّی باشد مثل اینکه شهادت بدهند که سایه شاخص بعد از کم شدن شروع به زیاد شدن نموده است. اذان شخص وقت شناس و مورد اطمینان نیز کافی است.

نابینا و کسی که در زندان گرفتار است و مانند اینها بنا بر احتیاط واجب باید تا به داخل شدن وقت یقین نکنند مشغول نماز نشوند. ولی اگر انسان به واسطه وجود مانع در آسمان (مانند ابر و غبار و مانند اینها) که برای همه مانع از یقین کردن است نتواند در اول وقت نماز به داخل شدن وقت یقین کند چنانچه گمان داشته باشد که وقت داخل شده، می تواند مشغول نماز شود.

اگر انسان یقین کند که وقت نماز شده یا دو مرد عادل از روی حسّ به داخل شدن وقت خبر دهند و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده است نماز او باطل است. و همچنین اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده نمازش باطل است و باید اعاده کند. ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شد، یا بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده نماز او صحیح است.

اگر انسان بر اثر غفلت و فراموشی توجّه نداشته باشد که باید با یقین به داخل شدن وقت مشغول نماز شود، چنانچه بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را در وقت خوانده نماز او صحیح است و اگر بفهمد تمام نماز را پیش از وقت خوانده یا نفهمد که در وقت خوانده یا پیش از وقت، نمازش باطل است بلکه اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده است احتیاط واجب آن است که دوباره آن نماز را بخواند.

اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شك کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است. ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شك کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه نمازش صحیح است.

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که انجام بعضی از مستحبات نماز باعث شود مقداری از واجبات در خارج وقت خوانده شود باید آن مستحبات را ترک کند مثلاً اگر به واسطه خواندن قنوت، مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می شود نباید قنوت را بخواند و اگر بخواند معصیت کرده ولی نمازش صحیح است.

کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

کسی که مسافر نیست اگر تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخواند، ولی اگر کمتر وقت دارد باید فقط نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند، و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد باید نماز مغرب و عشا را بخواند، ولی اگر کمتر وقت دارد باید اول نماز عشا را به نیت ادا بخواند و بعداً نماز مغرب را بخواند و بنا بر احتیاط واجب در نماز مغرب نیت ادا و قضا ننماید.

کسی که مسافر است اگر تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد باید نماز ظهر و عصر را بخواند، ولی اگر کمتر وقت دارد باید فقط عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند، و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد باید نماز مغرب و عشا را بخواند ولی اگر کمتر وقت دارد باید فقط عشا را بخواند و بعداً مغرب را بدون نیت اداء و قضا بجا آورد، و چنانچه بعد از خواندن عشا معلوم شود که به مقدار یک رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانده است باید فوراً نماز مغرب را به نیت ادا به جا آورد.

مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هرچه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

هرگاه انسان عذری دارد که اگر بخواهد در اول وقت نماز بخواند ناچار است با تیمم نماز بخواند چنانچه بداند یا احتمال دهد که عذر او تا آخر وقت باقی است، می تواند در اول وقت نماز بخواند، ولی اگر مثلاً لباسش نجس باشد یا عذر دیگری داشته باشد و احتمال بدهد که عذر او از بین می رود بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا عذرش برطرف شود و چنانچه عذر او برطرف نشد در آخر وقت نماز بخواند. و لازم نیست به قدری صبر کند که فقط بتواند کارهای واجب نماز را انجام دهد. بلکه اگر برای مستحبات نماز مانند اذان و اقامه و قنوت هم وقت دارد می تواند با لباس نجس مثلاً نماز را با آن مستحبات بجا آورد.

کسی که مسائل نماز و شکایات و سهویات را نمی داند و احتمال می دهد که یکی از اینها در نماز پیش آید بنابر احتیاط واجب باید برای یاد گرفتن آنها نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد. ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور صحیح تمام می کند، می تواند در اول وقت مشغول نماز شود، ولی اگر در نماز مسأله ای که حکم آن را نمی داند پیش آید می تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد عمل نماید و نماز را تمام کند. ولی بعد از نماز باید مسأله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده دوباره بخواند.

اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود را مطالبه می کند در صورتی که ممکن است باید اول قرض خود را بدهد بعد نماز بخواند. و همچنین است اگر کار واجب دیگری که باید فوراً آن را بجا آورد پیش آمد کند، مثلاً ببیند مسجد نجس است که باید اول مسجد را تطهیر کند بعد نماز بخواند و چنانچه اول نماز بخواند معصیت کرده ولی نماز او صحیح است.

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است نمی تواند نیت را به نماز عصر برگرداند بلکه باید نماز را بشکند و نماز عصر را بخواند و همین طور است در نماز مغرب و عشا.

اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است و نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را ادامه دهد و بعد متوجه شود که نماز ظهر را خوانده است باید نیت خود را به نماز عصر برگرداند و چنانچه مقداری از نماز را که به نیت ظهر خوانده مشتمل بر رکن بوده باید نماز را تمام کند و دوباره نماز عصر را بخواند. اما اگر مشتمل بر رکن نبوده باید آن قسمت را به نیت عصر بخواند و نماز او صحیح است هر چند احتیاط مستحب در اعاده آن است.

اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده است یا نه، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند، ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، مغرب می شود باید به نیت نماز عصر نماز را تمام کند و بنابر احتیاط نماز ظهرش را قضا کند.

اگر در نماز عشا، پیش از رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه چنانچه وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز نصف شب می شود، باید به نیت عشا نماز را تمام کند، و اگر بیشتر وقت دارد، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را سه رکعتی تمام کند بعد نماز عشا را بخواند.

اگر در نماز عشا بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه باید نماز را تمام کند بعد نماز مغرب را بخواند. و اگر این شک در وقت مخصوص به نماز عشا باشد بنابر احتیاط نماز مغرب را قضا کند.

اگر انسان نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند و در بین نماز یادش بیاید نمازی را که باید پیش از آن بخواند نخوانده است، نمی تواند نیت را به آن نماز برگرداند. مثلاً موقعی که نماز عصر را احتیاطاً می خواند اگر یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است نمی تواند نیت را به نماز ظهر برگرداند.

برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب به نماز واجب جایز نیست.

احتیاط واجب این است که اگر نمازی قضا شده است قبل از نماز ادای بعدی آن را قضا کند. و اگر مشغول نماز ادا شده و سپس متوجه شد که نمازی از همان روز قضا شده است به احتیاط واجب نیت خود را به قضا برگرداند. و اگر مشغول نماز ادا شود و بعداً متوجه شود که نماز قضا از قبل دارد مستحب است نیت خود را به نماز قضا برگرداند. در دو فرض قبل، اگر وقت تنگ باشد یا از محل عدول گذشته باشد مثلاً نماز صبح قضا شده و بعد از رکوع رکعت سوم متوجه شود نمی تواند عدول کند.

#### احکام قبله

خانه کعبه که در مکه معظمه می باشد قبله است. و باید روبروی آن نماز خواند ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند کافی است. و همچنین است کارهای دیگری که مانند سر بریدن حیوانات باید رو به قبله انجام گیرد.

کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده و لازم نیست زانوهای او و نوک پای او هم رو به قبله باشد.

کسی که باید نشسته نماز بخواند اگر نمی تواند به طور معمول بنشیند و در موقع نشستن، کف پاها را به زمین می گذارد باید در موقع نماز صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد و لازم نیست ساق پای او رو به قبله باشد.

کسی که نمی تواند نشسته نماز بخواند باید در حال نماز به پهروی راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر ممکن نیست باید به پهروی چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر این را هم نتواند باید به پشت بخوابد به طوری که کف پای او رو به قبله باشد.

نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده را باید رو به قبله به جا آورد و در سجده سهو هم احتیاط آن است که رو به قبله باشد.

نماز مستحبی را می شود در حال راه رفتن و سواری «در ماشین - قطار - هواپیما و کشتی» خواند و اگر انسان در این دو حال، نماز مستحبی بخواند، لازم نیست رو به قبله باشد.

کسی که می خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید، تا یقین کند که قبله کدام طرف است و می تواند به گفته دو شاهد عادل که از روی نشانه های حسّی شهادت می دهند یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می شناسد و محلّ اطمینان است عمل کند و اگر اینها ممکن نشد باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راههای دیگر پیدا می شود عمل نماید، حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که به واسطه قواعد علمی قبله را می شناسد گمان به قبله پیدا کند کافی است.

کسی که گمان به قبله دارد، اگر بتواند گمان قویتری پیدا کند نمی تواند به گمان خود عمل نماید مثلاً اگر میهمان از گفته صاحب خانه گمان به قبله پیدا کند ولی بتواند از راه دیگر «مثلاً قبله نما» گمان قویتری پیدا کند، نباید به حرف او عمل نماید.

قبله نماهای معمولی در صورتی که سالم باشد از وسائل خوب برای شناخت قبله است، و گمان حاصل از آن کمتر از راههای دیگر نیست، بلکه غالباً دقیقتر است.

اگر جهت قبله را نمی دانند، می تواند با مراجعه به محراب مساجد و قبرهای مسلمانان جهت قبله را پیدا کند اما اگر با اجتهاد و کوشش خود یا با استفاده از وسائل جدید نظیر قبله نما به جهت دیگری اطمینان و علم پیدا کند. بنابر احتیاط واجب نمی تواند محراب مساجد و قبرها را ملاک قبله قرار دهد؛ لکن اگر گمان و ظن غالب پیدا کند که مسلمانان این منطقه در ساختن محراب مساجد و قبرها مسامحه کرده و دقت کافی نکرده اند، باید به آن طرف یا اطراف نماز بخواند که اطمینان یا ظن قوی به قبله دارد.

اگر برای پیدا کردن قبله وسیله ای ندارد یا با اینکه کوشش کرده گمانش به طرفی نمی رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد باید چهار نماز به چهار طرف بخواند و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد باید به اندازه ای که وقت دارد نماز بخواند مثلاً اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد باید یک نماز به هر طرفی که می خواهد بخواند، و باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده است.

اگر یقین یا گمان کند که قبله در یکی از دو طرف است، باید به هر دو طرف نماز بخواند ولی احتیاط مستحب آن است که در صورت گمان، به چهار طرف نماز بخواند.

کسی که باید به چند طرف نماز بخواند، اگر بخواند نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشاء را بخواند بهتر آن است که نماز اول را به هر چند طرف که واجب است بخواند، بعد نماز دوم را شروع کند.

کسی که یقین به سمت قبله ندارد اگر بخواند غیر از نماز، کاری کند که باید رو به قبله انجام گیرد مثلاً بخواند حیوانی را ببرد باید به گمان عمل نماید و اگر گمان ممکن نیست به هر طرف که انجام دهد صحیح است.

اگر ظن به قبله پیدا کرد ولی در اثناء نماز ظن به جهت دیگری پیدا کرد باید باقیمانده نماز را در جهت دوم بخواند اما اگر آن مقداری که خوانده است به طرف راست یا چپ یا پشت به قبله بوده است در این صورت بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره طبق گمان جدید اعاده کند.

اگر بدون اینکه تحقیق کند از روی غفلت یا سهل انگاری به نماز ایستاد، چنانچه بعد از نماز بفهمد جهت قبله درست بوده و در خواندن نماز هم قصد قربت داشته باشد نمازش صحیح است اما اگر بعد از نماز بفهمد که جهت قبله درست نبوده نمازش باطل است و باید اعاده کند. البته قبله اعم است از سمت قبله و تا ده درجه به چپ یا راست.

اگر گوسفند یا شتری را عمداً بر خلاف جهت قبله سر ببرد یا نحر کند خوردن گوشت آن گوسفند و شتر حرام است اما اگر جهت قبله را نمی داند یا جهت قبله را فراموش کرده و یا جاهل و متعذر باشد چنانچه بر خلاف جهت قبله سر بریده باشد خوردن گوشت آن حلال است.

#### پوشانیدن بدن در نماز

مرد باید در حال نماز، (اگر چه کسی او را نمی بیند) عورتین خود را بپوشاند و بهتر است از ناف تا زانوها را بپوشاند.

زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می شود و دستها تا مچ و پاها تا مچ پا لازم نیست. اما برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پائین تر از مچ را هم بپوشاند.

موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهّد فراموش شده را به جا می آورد باید پوشش لازم را داشته باشد، بلکه بنا بر احتیاط در موقع سجده سهو هم، باید خود را مثل موقع نماز پوشاند.

برای زنان در حال نماز، پوشانیدن موهای مصنوعی و زینت های پنهانی (مانند دستبند و گردن بند) و زینت صورت (مانند سرمه چشم) لازم نیست، اما واجب است از نامحرم پوشاند.

اگر انسان عمداً، در نماز عورتش را نپوشاند نمازش باطل است بلکه اگر از روی ندانستن مسأله هم باشد بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

اگر در بین نماز بفهمد که عورتش پیدا است باید آن را بپوشاند و احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند. ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز عورت او پیدا بوده نمازش صحیح است.

اگر در حال ایستاده، لباسش عورت او را می پوشاند ولی ممکن است در حال دیگر، مثلاً در حال رکوع و سجود نپوشاند. چنانچه موقعی که عورت او پیدا می شود به وسیله ای آن را بپوشاند نماز او صحیح است. ولی احتیاط مستحب آن است که با آن لباس نماز نخواند.

انسان می تواند در نماز خود را با علف و برگ پوشاند ولی احتیاط مستحب آن است، موقعی خود را با اینها بپوشاند که چیز دیگری نداشته باشد.

اگر غیر از گل چیزی ندارد که در نماز خود را بپوشاند گل ساتر نیست و می تواند برهنه نماز بخواند. ولی احتیاط مستحب جمع است یعنی یک بار به کیفیت برهنه نماز بخواند و یک بار با گل عورتین را بپوشاند و نماز بخواند.

اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن بپوشاند، چنانچه احتمال دهد که پیدا می کند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تأخیر بیندازد و اگر چیزی پیدا نکرد در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز بخواند.

کسی که می خواهد نماز بخواند اگر برای پوشانیدن خود حتی برگ درخت و علف نداشته باشد و احتمال ندهد که تا آخر وقت چیزی پیدا کند که خود را با آن بپوشاند در صورتی که نامحرم او را می بیند باید نشسته نماز بخواند و عورت خود را با ران خود بپوشاند. و اگر کسی او را نمی بیند ایستاده نماز بخواند و جلو خود را با دست بپوشاند و در هر صورت، رکوع و سجود را با اشاره انجام دهد و برای سجود سر را قدری پائین تر می آورد.

لباس نمازگزار

لباس نمازگزار باید دارای شش شرط باشد: (با کلیک بر روی هر قسمت می توانید توضیحات مربوط به آن بخش را مشاهده کنید)

اول: آنکه پاک باشد.

دوم: آنکه بنا بر احتیاط واجب مباح باشد.

سوم: آن که از اجزاء مردار نباشد.

چهارم: آنکه از حیوان حرام گوشت نباشد.

پنجم و ششم: آنکه اگر نماز گزار مرد است، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد. تفصیل اینها در مسائل آینده گفته می شود.

شرط اول:

لباس نماز گزار باید پاک باشد و اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش باطل است.

کسی که نمی داند نماز با بدن و لباس نجس باطل است، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش باطل می باشد.

اگر به واسطه ندانستن مسأله، نداند یک چیز نجس است مثلاً نداند عرق شتر نجاستخوار یا عرق مشرک نجس است و با آن نماز بخواند نمازش باطل می باشد.

اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده نماز او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد دوباره آن نماز را بخواند.

اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

کسی که در وسعت وقت مشغول نماز است اگر در بین نماز بدن یا لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با لباس نجس بخواند متوجه شود یا بفهمد که بدن یا لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس یا بیرون آوردن آن نماز را بهم نمی زند باید در بین نماز بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض کند یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده لباس را بیرون آورد و نماز را ادامه دهد. ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشد یا بخواهد لباس را عوض کند یا بیرون آورد نماز بهم می خورد و یا اگر لباس را بیرون آورد برهنه می ماند، باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است اگر در بین نماز لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با لباس نجس بخواند متوجه شود یا بفهمد که لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن یا عوض کردن یا بیرون آوردن لباس نماز را بهم نمی زند و می تواند لباس

را بیرون آورد، باید لباس را آب بکشد یا عوض کند یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده، لباس را بیرون آورد و نماز را تمام کند. اما اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده و لباس را هم نمی تواند آب بکشد یا عوض کند باید لباس را بیرون آورد و به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را تمام کند. ولی چنانچه طوری است که اگر لباس را آب بکشد یا عوض کند نماز بهم می خورد یا به واسطه سرما و مانند آن نمی تواند لباس را بیرون آورد باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است.

کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است اگر در بین نماز بدن او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با بدن نجس بخواند متوجه شود یا بفهمد که بدن او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده در صورتی که آب کشیدن بدن نماز را بهم نمی زند باید آب بکشد و اگر نماز را بهم می زند باید با همان حال نماز را تمام کند و نماز او صحیح است.

کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد چنانچه نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نبوده است، بنابر احتیاط مستحب اگر وقت نماز باقی است نمازش را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته آن را قضا کند.

اگر لباس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده بنابر احتیاط واجب اگر وقت نماز باقی است باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته، نمازش را قضا کند.

اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خونهای نجس نیست مثلاً یقین کند که خون پشه است، چنانچه بعد از نماز بفهمد از خونهای بوده که نمی شود با آن نماز خواند، نماز او صحیح است.

هرگاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست خون نجسی است که نماز با آن صحیح است مثلاً یقین کند خون زخم و دُمل است چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل می باشد نمازش صحیح است.

اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید نماز او صحیح است. و اگر بدون این که محل تماس با نجس را آب بکشد با آب قلیل غسل کند و نماز بخواند غسل و نماز او باطل است اما اگر با آب جاری یا کُر غسل کند چون با تماس اول محل پاک می شود غسل او صحیح است و نماز او هم اشکال ندارد. اما اگر محل تماس با نجس، یکی از اعضای وضو باشد و شخص بدون تطهیر با آب قلیل و با یک بار شستن وضو بگیرد و نماز بخواند وضو و نماز او باطل است و در فرض سابق اگر با آب کثیر وضو بگیرد یا محل وضو را سه بار بشوید تطهیر انجام شده و وضو و نماز او صحیح است.

کسی که یک لباس دارد، اگر بدن و لباسش نجس شود و آب به اندازه آب کشیدن یکی از آنها داشته باشد، چنانچه بتواند لباسش را بیرون آورد باید بدن را آب بکشد و نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورد. و اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نتواند لباس را بیرون آورد، در صورتی که نجاست هردو مساوی باشد، مثلاً هردو بول یا خون باشد یا نجاست بدن شدیدتر یا بیشتر باشد مثلاً نجاست بدن بول باشد که باید دو مرتبه آن را با

آب قلیل آب بکشد، احتیاط واجب آن است که بدن را آب بکشد. و اگر نجاست لباس بیشتر یا شدیدتر باشد مختار است هر کدام از بدن یا لباس را بخواند می تواند آب بکشد.

کسی که غیر از لباس نجس لباس دیگری ندارد و وقت تنگ است یا احتمال نمی دهد که لباس پاک پیدا کند باید نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد ولی همین شخص اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نمی تواند لباس را بیرون آورد در همان لباس نماز بخواند و نمازش صحیح است.

کسی که دو لباس دارد اگر بداند یکی از آنها نجس است و نتواند آنها را آب بکشد و نداند کدامیک از آنهاست. چنانچه وقت دارد باید با هر دو لباس نماز بخواند، مثلاً اگر می خواهد نماز ظهر و عصر بخواند باید با هر کدام یک نماز ظهر و یک نماز عصر بخواند و اگر وقت تنگ است بنا بر احتیاط واجب نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب آن نماز را با لباس پاک قضا نماید.

شرط دوم:

لباس نمازگزار بنا بر احتیاط واجب باید مباح باشد و کسی که می داند پوشیدن لباس غضبی حرام است، اگر عمداً در لباس غضبی یا در لباسی که نخ یا تکه یا چیز دیگر آن غضبی است نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است باید آن نماز را با لباس غیر غضبی اعاده کند و همین طور است اگر کسی از روی تقصیر نداند که پوشیدن لباس غضبی حرام است.

کسی که می داند پوشیدن لباس غضبی حرام است ولی نمی داند نماز را باطل می کند، اگر عمداً با لباس غضبی نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است و باید آن نماز را با لباس غیر غضبی اعاده کند.

اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبی است و با آن نماز بخواند نمازش صحیح است، ولی اگر خودش لباس را غضب کرده فراموش کند که غضب کرده است بنا بر احتیاط لازم نمازش باطل است و باید آن نماز را با لباس غیر غضبی اعاده کند.

اشیاء غضبی کوچک باشد یا بزرگ (مانند تسیح، دستمال و...) اگر همراه نمازگزار باشد موجب بطلان نماز نمی شود.

اگر کسی برای حفظ جاننش با لباس غضبی نماز بخواند یا مثلاً برای اینکه دزد لباس غضبی را نبرد با آن نماز بخواند نمازش صحیح است.

اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبی است و در بین نماز بفهمد چنانچه چیز دیگری که عورت او را پوشاند در تن دارد و می تواند فوراً بدون اینکه موالات یعنی پی در پی بودن نماز بهم بخورد لباس غضبی را بیرون آورد باید آن را بیرون آورد و نمازش را ادامه داده و تمام کند و اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده یا نمی تواند فوراً

لباس غصبی را بیرون آورد یا اگر بیرون آورد پی در پی بودن نماز بهم می خورد در صورتی که به مقدار یک رکعت هم وقت داشته باشد باید نمازش را بشکند و با لباس غیر غصبی نماز بخواند و اگر به این مقدار وقت ندارد، باید در حال نماز لباس را بیرون آورد و به دستور نماز برهنگان نماز را تمام نماید.

اگر با عین پولی که خمس یا زکوٰه آن را نداده لباس بخرد حکم لباس غصبی را دارد و نماز خواندن در آن لباس باطل است، و چنانچه لباس را به نسیه بخرد یا قرض کند و قصد داشته باشد که قیمت یا عوض آن را از پولی که خمس یا زکات آن را نداده یا از مال حرام پردازد نماز با آن لباس باطل است .

شرط سوّم:

لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان مرده ای که خون جهنده دارد (یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند خون از آن جستن می کند) نباشد، بلکه اگر از حیوان حلال گوشت مرده ای مانند ماهی که خون جهنده ندارد لباس تهیه کند احتیاط مستحب آن است که با آن نماز نخواند.

اگر چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته همراه نمازگزار باشد، نمازش باطل است، گرچه لباس او هم نباشد.

اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد همراه نمازگزار باشد یا با لباسی که از آنها تهیه کرده اند نماز بخواند نمازش صحیح است.

اگر غیر از لباس غصبی و لباسی که از مردار تهیه شده لباس دیگری ندارد و ناچار نیست لباس بپوشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

شرط چهارم:

لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و اگر موئی از آن هم همراه نمازگزار باشد نماز او باطل است .

اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، چنانچه تر باشد نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد نماز صحیح است.

اگر مو و عرق و آب دهان کسی بر بدن یا لباس نمازگزار باشد اشکال ندارد و همچنین است اگر مروارید و موم و عسل همراه او باشد.

اگر شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، چه در داخله تهیه شده باشد چه در خارجه، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

اگر انسان احتمال بدهد تکمه صدفی و مانند آن از حیوان است نماز خواندن با آن مانعی ندارد، و اگر بداند صدف است و احتمال بدهد صدف گوشت نداشته باشد نماز خواندن با آن مانع ندارد.

با پوست خز نماز خواندن اشکال ندارد ولی بنابر احتیاط واجب با پوست سنجاب نماز نخواند.

اگر با لباسی که نمی داند از حیوان حرام گوشت است یا نه، نماز بخواند نمازش صحیح است، ولی اگر فراموش کرده باشد بنابر احتیاط واجب باید آن نماز را دوباره بخواند.

نماز خواندن با چرمهای مصنوعی که به وسیله مواد پلاستیکی و مانند آن می سازند اشکال ندارد بنابراین هرگاه انسان شك کند که چیزی چرم مصنوعی است یا چرم واقعی یا از حیوان حرام گوشت است یا حیوان مرده یا حلال گوشت و مذکی نماز با آن اشکال ندارد.

اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت تهیه شده لباس دیگری ندارد چنانچه ناچار باشد لباس بپوشد، می تواند با همان لباس نماز بخواند، و اگر ناچار نباشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را بجا آورد و بنابر احتیاط واجب یک نماز دیگر هم با همان لباس بخواند.

شرط پنجم و ششم:

پوشیدن لباس طلاباف برای مرد حرام و نماز با آن باطل است، ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است. و باید از استعمال عینک طلا هم خودداری کند، ولی زینت کردن به طلا برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

اگر به جهت ندانستن یا فراموشی در طلا نماز بخواند بنابر احتیاط واجب نمازش باطل است.

زینت کردن به طلا یا پوشیدن لباس طلاباف برای مرد حرام است چه آشکار باشد یا پنهان و نماز با آن باطل است. بنابراین اگر زیر پیراهن مرد طلاباف باشد یا زنجیر طلا در گردن آویخته باشد گرچه پیدا نباشد حرام و نماز را باطل می کند.

لباس مرد نمازگزار باید ابریشم خالص نباشد و همچنین بنابر احتیاط واجب چیزهایی مانند عرقچین و مانند آن که به تنهایی ستر عورتین نیستند اگر ابریشم خالص باشند نماز با آن باطل است و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است.

اگر آستر تمام لباس یا آستر مقداری از آن ابریشم خالص باشد پوشیدن آن برای مرد حرام و نماز در آن باطل است.

اگر انگشتر یا زنجیر طلا و مانند آن در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی کند.

پوشیدن لباسی که نمی داند از ابریشم خالص است یا چیز دیگر، اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است.

دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی کند.

پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیر نماز اشکالی ندارد.

پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلا باف و لباسی که از مردار تهیه شده در حال ناچاری مانعی ندارد، و نیز کسی که ناچار است لباس بپوشد و لباس دیگری غیر از اینها ندارد و تا آخر وقت هم ناچاری او از بین نمی رود، و اگر نمی تواند لخت شود می تواند با این لباسها نماز بخواند.

هرگاه لباس مرد نمازگزار مخلوط از ابریشم و غیر آن باشد نماز خواندن در آن صحیح است مشروط بر آنکه غیر ابریشم از جنسی باشد که نماز در آن صحیح است، اما اگر غیر ابریشم به قدری کم باشد که به حساب نیاید، نماز خواندن با آن لباس برای مرد جایز نیست.

اگر مرد غیر از لباس ابریشمی خالص یا طلا باف، لباس دیگری نداشته باشد، چنانچه ناچار نباشد لباس بپوشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

اگر چیزی ندارد که در نماز عورت خود را با آن بپوشاند، واجب است اگرچه به کرایه یا خریداری باشد تهیه نماید. ولی اگر تهیه آن به قدری پول لازم دارد که نسبت به دارائی او زیاد است، و طوری است که اگر پول را به مصرف لباس برساند به حال او ضرر دارد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

کسی که لباس ندارد اگر دیگری لباس به او ببخشد یا عاریه دهد، چنانچه قبول کردن آن برای او مشقتی که معمولاً تحمل نمی شود نداشته باشد باید قبول کند بلکه اگر عاریه کردن یا طلب بخشش برای او سختی که معمولاً تحمل نمی شود ندارد باید از کسی که لباس دارد، طلب بخشش یا عاریه نماید.

بنابر احتیاط واجب باید انسان از پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن بر کسی که می خواهد آن را بپوشد معمول نیست، خودداری کند ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

مقصود از لباس شهرت لباسی است که عرفاً زننده باشد و از این جهت انگشت نما باشد یا مناسب زی و شأن شخص از حیث جنس یا رنگ یا نوع دوخت نباشد.

احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد یعنی مردان به نحوی لباس نپوشند که بگویند لباس زنانه پوشیده اند و بر عکس، بنابراین پوشیدن دمپایی زنانه به تنهایی برای مردان اشکالی ندارد و بر عکس. ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

کسی که ساتر ندارد و احتمال می دهد تا آخر وقت پیدا شود بنا بر احتیاط واجب باید نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد و با ساتر نماز بخواند.

کسی که باید خوابیده نماز بخواند، اگر برهنه باشد و لحاف یا تشک او نجس یا ابریشم خالص یا از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد احتیاط واجب آن است که در نماز، خود را با آنها نپوشاند.

مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاک باشد

در سه صورت که تفصیل آنها بعداً گفته می شود اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد نماز او صحیح است:

۱. آنکه به واسطه زخم یا جراحت یا دملی که در بدن او است لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد.

۲. آنکه بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم (که تقریباً به اندازه سطح یک دو ریالی می شود) به خون آلوده باشد. به جز خون هایی که در مسأله ۸۶۱ می آید.

۳. آنکه ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

و در دو صورت اگر فقط لباس نمازگزار نجس باشد نماز او صحیح است.

۱. آنکه لباسهای کوچک او مانند جوراب و دستکش نجس باشد.

۲. آنکه لباس زنی که پرستار بچه است نجس شده باشد.

و احکام این پنج صورت مفصلاً در مسائل بعد گفته می شود.

اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه به گونه ای است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم یا برای شخص او دشوار است تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می تواند با آن خون، نماز بخواند و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوائی که روی زخم گذاشته اند و نجس شده در بدن یا لباس او باشد.

اگر خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می شود و شستن آن آسان است و به اندازه درهم یا بیشتر باشد در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد به رطوبت زخم نجس شود جایز نیست با آن نماز بخواند، ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می شود با رطوبت آن نجس شود نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

خون دهان و بینی حکم زخم بدن را ندارد و اگر لباس و بدن به واسطه آن نجس شود نمی توان با آن نماز خواند مگر این که کمتر از درهم باشد. ولی خون بواسیر حکم خون زخم بدن را دارد و نماز با آن اشکال ندارد.

کسی که بدنش زخم است اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

اگر چند زخم در بدن باشد و به طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود تا وقتی همه خوب نشده اند نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هرکدام یک زخم حساب شود هرکدام که خوب شد، باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد.

اگر سر سوزنی خون حیض در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است و بنا بر احتیاط واجب نباید خون نفاس و استحاضه در بدن یا لباس نمازگزار باشد، و بهتر است از خون حیوان حرام گوشت پرهیزد. ولی خونهای دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت اگرچه در چند جای بدن و لباس باشد در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد (که تقریباً به اندازه سطح یک دو ریالی می شود) نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

خونی که به لباس بی آستر بریزد و به پشت آن برسد یک خون حساب می شود ولی اگر پشت آن جدا خونی شود باید هرکدام را جدا حساب نمود پس اگر خونی که در پشت و روی لباس است روی هم کمتر از درهم باشد نماز با آن صحیح و اگر بیشتر باشد نماز با آن باطل است.

اگر خون، روی لباسی که آستر دارد بریزد و به آستر آن برسد، و یا به آستر بریزد و روی لباس خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب نمود. پس اگر خون روی لباس و آستر کمتر از درهم باشد نماز با آن صحیح و اگر بیشتر باشد نماز با آن باطل است.

اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد و رطوبتی به آن برسد در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده به اندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند نماز با آن باطل است بلکه اگر رطوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند نماز خواندن با آن اشکال دارد ولی اگر رطوبت مخلوط به خون شود و مستهلک شده از بین برود نماز صحیح است.

اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی به واسطه رسیدن به خون نجس شود اگرچه مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد، نمی شود با آن نماز خواند.

اگر خونی که در بدن یا لباس است کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری به آن برسد مثلاً یک قطره بول روی آن بریزد نماز خواندن با آن جایز نیست.

اگر لباسهای کوچک نمازگزار مثل عرقچین، جوراب و دستکش که نمی شود با آنها عورت را پوشاند نجس باشد، چنانچه از مردار و حیوان حرام گوشت درست نشده باشد نماز با آنها صحیح است و نیز اگر با انگشتر یا عینک نجس نماز بخواند اشکال ندارد.

احتیاط واجب آن است که چیز نجسی که با آن می شود عورت را پوشاند همراه نمازگزار نباشد، اما همراه بودن چیز نجسی که نمی شود عورت را با آن پوشاند مانند دستمال کوچک و کلید و چاقو و پول نجس مانعی ندارد.

زنی که پرستار بچه است که بنا بر احتیاط واجب بچه پسر باشد نه دختر، و بیشتر از یک لباس ندارد، چنانچه نتواند لباس دیگری بخرد یا کرایه کند و یا عاریه نماید، هرگاه شبانه روزی یک مرتبه لباس خود را آب بکشد اگرچه تا روز دیگر لباسش به بول پسر نجس شود می تواند با آن لباس نماز بخواند ولی احتیاط واجب آن است که لباس خود را شبانه روز یک مرتبه برای اولین نمازی که لباسش پیش از آن نجس شده آب بکشد و نیز اگر بیشتر از یک لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را بپوشد، چنانچه شبانه روزی یک مرتبه به دستوری که گفته شده همه آنها را آب بکشد کافی است. و در صورتی که بتواند لباس دیگری بخرد یا کرایه کند احتیاط واجب این است که با لباس پاک نماز بخواند.

چیزهایی که در لباس نمازگزار مستحب است

گذاشتن عمامه با تحت الحنک، پوشیدن عبا خصوصاً برای کسی که امام جماعت باشد، پوشیدن لباس سفید و پوشیدن پاکیزه ترین لباسها، و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتری عقیق برای نمازگزار مستحب است.

چیزهایی که در لباس نمازگزار مکروه است

پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباس شرابخوار و پوشیدن لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی کند، پوشیدن لباسی که نقش صورت دارد و نیز باز بودن تکه های لباس و دست کردن انگشتری که نقش صورت دارد برای نمازگزار مکروه می باشد.

مکان نمازگزار

مکان نمازگزار چند شرط دارد:

شرط اول: مباح باشد.

کسی که در ملک غصبی نماز می خواند اگرچه روی فرش و تخت و مانند اینها باشد نمازش باطل است ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی مانعی ندارد.

نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است بدون اجازه صاحب منفعت، باطل است، مثلاً در خانه اجاره ای اگر مالک خانه یا شخص دیگری بخواهد نماز بخواند بدون اجازه مستأجر نماز باطل است و همچنین است اگر در ملکی که دیگری در آن حقی دارد نماز بخواند باطل است.

مثلاً اگر وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند تا وقتی ثلث را جدا نکنند نمی شود در ملک او نماز خواند.

کسی که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.

اگر در جائی که نمی داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، یا در جائی که غصبی بودن آن را فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید نماز او صحیح است مگر آنکه خودش غصب کرده باشد. که بنا بر احتیاط واجب باطل است.

اگر بداند جائی غصبی است، ولی نداند که در جای غصبی نماز باطل است و در آنجا نماز بخواند اگر جاهل مقصر باشد بنا بر احتیاط، نماز او باطل می باشد.

نماز مستحبی را می توان هنگام سواری حتی در حال اختیار خواند کما این که نماز واجب را می توان در حال اضطرار و ناچاری در حال سواری خواند و در این فرض اگر زین اسب یا صندلی ماشین و قطار و هواپیما غصبی باشد نماز باطل است.

تصرف در زمین غصبی که فعلاً مالک مشخصی ندارد جایز نیست و نماز خواندن در آن باطل است و برای تعیین تکلیف آن باید به مجتهد جامع الشرائط رجوع شود. همچنین تصرف در ساختمانی که با مصالحی ساخته شده که مالک آن معلوم نیست حکم تصرف در مال غصبی را دارد و جایز نیست اما نماز در این ساختمان اگر نماز بر روی زمین مباح باشد که با مصالح مذکور فرش نشده باشد باطل نیست.

کسی که در ملکی با دیگری شریک است اگر سهم او جدا نباشد، بدون اجازه شریکش نمی تواند در آن ملک تصرف کند و نماز بخواند.

اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام و نمازش هم در آن باطل است، و همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر به ذمه بخرد و در موقع خریدن قصدش این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.

اگر صاحب ملک به زبان، اجازه نماز خواندن بدهد و انسان بداند که قلباً راضی نیست، نماز خواندن در ملک او باطل است. و اگر اجازه ندهد و انسان یقین کند که قلباً راضی است نماز صحیح است.

می‌تواند که بدهکار است چنانچه بدهکاری وی از تمام اموال باقیمانده او بیشتر باشد هر نوع تصرفی در اموال او حرام و نماز خواندن ورثه در زمین و خانه او بدون رضایت طلبکاران باطل است. اما اگر بدهکاری وی از اموال باقیمانده او کمتر باشد تصرف در اموال او و نماز خواندن در خانه و زمین او با یکی از دو شرط زیر مجاز است: الف - از قرائن خارجی بدانند که طلبکاران او راضی هستند. ب - ورثه تصمیم داشته باشند بدون مسامحه بدهی او را پرداخت کنند.

تصرف در ملک می‌تواند که به مردم بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است و این در صورتی است که بدهکاری به اندازه همه مال باشد.

ولی اگر بدهکاری او کمتر از مالش باشد و بدانند طلبکار یا طلبکاران راضی هستند یا ورثه تصمیم داشته باشند که بدون مسامحه بدهی او را بدهند، تصرف در آن ملک و نماز خواندن در آن اشکال ندارد لیکن در این صورت بنا بر احتیاط واجب باید از ولی می‌تواند هم اجازه بگیرند.

اگر می‌تواند قرض نداشته باشد ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه یا غائب باشند، فقط به مقدار مصارف متعارف (کفن و دفن) که اگر انجام نشود جنازه روی زمین می‌ماند می‌تواند در اموال او تصرف کرد. ولی سایر تصرفات در آن اموال حرام و نماز خواندن در خانه او باطل است مگر بعد از تعیین قیمت و عمل بر طبق صلاحدید وی.

نماز خواندن در اماکن عمومی مانند هتل‌ها، مسافرخانه‌ها و حمام‌ها که برای ورود مسافران و مشتریان آماده است اشکال ندارد ولی نماز خواندن برای دیگران که مسافر و مشتری آن اماکن نیستند اگر قرینه‌ای که دلالت بر رضایت صاحب آن بکند وجود داشته باشد مانع ندارد، و نماز خواندن در اماکن خصوصی بدون اجازه مالک آن جایز نیست، ولی اگر اجازه تصرفات دیگری دهد که معلوم شود برای نماز خواندن نیز راضی است می‌تواند در آنجا نماز بخواند. مثل اینکه کسی را برای صرف غذا و استراحت دعوت کند که مسلماً برای نماز رضایت دارد.

در زمین‌های بسیار وسیعی که برای مردم اجتناب از آن غیر ممکن یا سخت است اگرچه صاحبانش کراهت داشته باشند نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در آن اشکال ندارد، اگرچه در مالکین آنها صغیر و دیوانه باشد هر چند احتیاط این است که در صورت علم به عدم رضایت صاحبان آن‌ها از آن اجتناب شود.

شرط دوم: استقرار است.

مکان نماز گزار باید آرام و بدون حرکت باشد، لذا نماز در وسائل نقلیه‌ای که در حال حرکت باعث تکان خوردن و عدم آرامش انسان می‌شود باطل است. مگر در زمان ناچاری - مثلاً تنگی وقت - که در این صورت نیز باید تا جایی که می‌تواند شرایط نماز را رعایت کند و هنگام حرکت و تکان خوردن چیزی نخواند و هرگاه وسیله نقلیه تغییر مسیر داد خود را به سمت قبله بچرخاند.

نماز خواندن در وسائیل نقلیه ای که موجب حرکت و تکان خوردن انسان نمی شود و انسان در آن وسائیل آرامش دارد؛ مثل کشتی، هواپیما، قطار با رعایت شرایط نماز، مثل قبله، اشکال ندارد. ولی اگر عرفاً با استقرار و طمأنینه منافات داشته باشد مثل قایق و ماشین سواری صحیح نیست مگر در حال ضرورت و تنگی وقت.

نماز روی خرمن گندم و جو و تپه ای از رمل و مانند اینها که نمی شود استقرار پیدا کرد باطل است، اما اگر حرکت کم باشد که بتوان واجبات نماز را انجام داد و شرایط دیگر را رعایت کرد مانع ندارد.

در جائی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، اگر به امید تمام کردن شروع کند اشکال ندارد و اگر به مانعی برخورد نمازش صحیح است، و در جائی که ماندن در آن حرام است (مثلاً جائی که خطر خراب شدن سقف یا ریزش کوه یا تصادف و...) نباید نماز بخواند ولی اگر خواند نمازش صحیح است لیکن مرتکب حرام شده است. و همچنین روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است مانند فرش یا روزنامه ای که اسم خدا و آیات قرآن بر آن نوشته شده نباید نماز بخواند ولی اگر خواند نمازش صحیح است اما مرتکب حرام شده است.

احتیاط واجب آن است که در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب را نخواند ولی در حال ناچاری مانع ندارد.

خواندن نماز مستحب در خانه کعبه و بر بام آن اشکال ندارد بلکه مستحب است در داخل خانه کعبه مقابل هر رکعی دو رکعت نماز بخواند.

شرط سوّم: در جائی نماز بخواند که بتواند واجبات نماز را انجام دهد.

در جائی که سقف آن کوتاه است و نمی تواند در آنجا راست بایستد یا به اندازه ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد نباید نماز بخواند، و اگر ناچار شود که در چنین جائی نماز بخواند باید قدری که ممکن است قیام و رکوع و سجود را بجا آورد.

انسان نباید جلوتر از قبر پیغمبر و امام (علیه السلام) نماز بخواند و بنابر احتیاط مستحب مساوی قبر مطهر معصوم نماز نخواند.

اگر در نماز چیزی مانند دیوار بین او و قبر مطهر معصوم حائل باشد که بی احترامی نشود اشکال ندارد ولی فاصله شدن صندوق شریف و ضریح و پارچه ای که روی آن افتاده کافی نیست.

شرط چهارم: موجب نجاست لباس و بدن نماز گزار نشود.

مکان نماز گزار اگر نجس است نباید به طوری تر باشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد مگر نجاستی باشد که در نماز معفو است. ولی جائی که پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد نماز باطل است هر چند نجاست آن

مسری نباشد و اگر مقدار واجب در سجده پاک باشد کافی است و احتیاطاً مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد.

شرط پنجم: مرد بر زن مقدم باشد.

در نماز، زن باید عقب تر از مرد بایستد و بهتر است جای سجده زن از جای ایستادن مرد کمی عقب تر باشد، بنابراین اگر زن جلوتر یا مساوی مرد بایستد نماز باطل است و در این حکم بین محرم و نامحرم یا زن و شوهر تفاوتی ندارند، و همینطور بین نماز واجب و مستحب فرق ندارد.

اگر زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز هر دو باطل است اما اگر یکی قبلاً وارد نماز شده باشد نماز او صحیح است ولی نماز دومی باطل است.

اگر میان مرد و زن دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد که یکدیگر را نبینند یا بین آنها ده ذراع که تقریباً ۵ متر است فاصله باشد نمازشان صحیح است.

اگر زن در طبقه دوم نماز بخواند گرچه جلوتر یا مساوی مرد باشد نمازش صحیح است حتی اگر ارتفاع کمتر از ۱۰ ذراع یعنی کمتر از پنج متر باشد.

شرط ششم: مسطح بودن مکان نمازگزار.

جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سر انگشتان پای او نباید بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر باشد.

جاهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است

در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها مسجد الحرام است و بعد از آن مسجد پیغمبر (صلی الله علیه وآله) و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدس و بعد مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله، و بعد از مسجد محله، مسجد بازار است.

برای زنها بهتر آن است که نماز را در خانه و اطاق اختصاصی خود بخوانند. ولی اگر نماز در مسجد به هر جهتی غیر از مسجد بودن فضیلت بر نماز در خانه را داشته باشد مثل این که در مسجد جماعت است یا حضور قلب بیشتری وجود دارد بهتر است زنان برای درک این فضیلت با حجاب کامل به مسجد بروند و اگر راهی برای یادگرفتن احکام و مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد واجب است به مسجد بروند.

نماز در حرم امامان (علیهم السلام) مستحب بلکه بهتر از مسجد است و نماز در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برابر دویست هزار نماز است.

زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است و همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.

مستحب است انسان با کسی که از روی بی‌اعتنائی به مسجد حاضر نمی‌شود رابطه دوستی برقرار نکند، با او غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است

نماز خواندن در موارد زیر مکروه است: حمام، زمین نمکزار، مقابل انسان، مقابل دری که باز است، در جاده و خیابان و کوچه اگر برای کسانی که عبور می‌کنند زحمت نباشد و چنانچه زحمت باشد حرام و نماز باطل است، مقابل آتش و چراغ، در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد، مقابل چاه و گودالی که محل بول باشد، روبروی عکس و روبروی مجسمه چیزی که روح دارد مگر آنکه روی آن پرده بکشند، در اطاقی که جُنب در آن باشد، در جائی که عکس باشد اگرچه روبروی نمازگزار نباشد، مقابل قبر، روی قبر، بین دو قبر و در قبرستان.

کسی که در محل عبور مردم نماز می‌خواند، یا کسی روبروی اوست مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد که میان او و آنها حائل گردد حتی اگر عصا، تسبیح یا ریسمانی باشد.